

نمایش

ورویاپردازی‌های کودکان



حمید قاسم‌زادگان جهرمی
مدرس مراکز تربیت‌معلم



مادر تمامی هنرها، یعنی «نمایش»، از پدیده‌هایی است که همواره نقش مؤثری در زندگی انسان داشته‌اند. نمایش از دیرباز مورد توجه فلاسفه، اندیشمندان و مربیان بوده است. چنان‌که مکاتب گوناگون فکری، سیاسی و اعتقادی، هنر نمایش را به منزله‌ی وسیله‌ای کارآمد برای توسعه‌ی مفاهیم و معارف گوناگون در جامعه دانسته و آن را در پرورش انسان به‌گونه‌ای متناسب با هدف خود به‌کار گرفته‌اند. در گذشته‌های دور نیز، بشر ابتدایی کم یا بیش متوجه اثر درمانی و آرام‌بخش نمایش دراماتیک بوده و گوناگونی مراسم و آیین‌های قربانی و انواع رقص‌ها و سایر مراسم جمعی مشابه، مؤید این مطلب است.

گوردون فایرکلو در زمینه‌ی نقش تربیتی نمایش می‌نویسد: «نمایش واسطه‌ای است بسیار مهم برای رشد و پیشرفت فردی. هم در تشکیلات جدید برای تعلیم و تربیت فراگیر و تغذیه‌ی فرهنگی، و هم در پاسخ به نیازمندی‌های حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان مدرسه، نمایش به‌خوبی از عهده بر می‌آید.» [فایرکلو، ۱۳۶۷: ۹].

او پاره‌ای از اهداف نمایش آموزشی را چنین ذکر می‌کند:

۱. توسعه اعتماد به‌نفس.
۲. تعالی بخشیدن به کلاس توسط لذت کار خلاق.
۳. ایجاد جوی آرامش‌بخش، اما کوشا.
۴. تأمین نظم و انضباط از طریق مباحثه و تمرین عملی
۵. توسعه‌ی تفکر منطقی از طریق بدیهه‌سازی‌های کاملاً سنجیده.
۶. تحریک کودکان به‌وسیله‌ی

در زندگی هر فردی، مسائل پرهیجان و اضطراب‌آور متعددی وجود دارند که آن‌ها را تجربه، احساس و لمس کرده و یا در حد آرزو یا ناکامی، به‌دنبال تجربه‌ی آن‌هاست. بازیگری که مسائل دراماتیک و مهیج را به‌اجرا در می‌آورد، اگر براساس تحلیلی درست به حرکات و میزانشن رسیده باشد، خود نیز اثر کاهش‌دهنده‌ی هیجانات و اضطراب را احساس می‌کند. در گذشته‌ای نه چندان دور که تعداد سینماها و تئاترها در ایران محدود

تخیل یکدیگر و گسترش اطمینان به توانایی خودشان.

۷. درک و فهم عواملی که به توصیف واقع‌گرایانه‌ی شخصیت آن‌ها کمک می‌کند.

۸. گسترش حساسیت خلاق نسبت به انگیزه‌های گوناگون.

۹. کسب تجربه‌ی «تخیل» و در عین حال واقعی که در کارهای خلاق دیگری نظیر هنر و نویسندگی ارزشی عظیم داراست [همان، ص ۱۶].

نمایش، هر جا که بتوان بازیگر و تماشاگر را در آن جمع کرد - در یک اتاق خالی یا یک فضای باز با استفاده از نور طبیعی خورشید - و با بازیگرانی که لباس معمولی خود را به تن دارند، قابل اجرا است. قابلیت بالای به‌اجرا در آوردن نقش شخصیت‌های واقعی با استفاده از عناصری چون

صحنه‌پردازی، نورپردازی، لباس، چهره‌آرایی، وسایل صحنه و آثار صوتی در تئاترهای حرفه‌ای، کمک شایانی به تأثیرگذاری‌های مورد نظر می‌کند. البته بدون تمامی این عناصر نیز می‌توان سر کرد، اما در نمایش کودک و نوجوان این عوامل بسیار مؤثرند.

ایرج جهانشاهی در مطلبی با عنوان «سخنی با بزرگ‌ترها»، انگیزه‌ی بردن نمایش به درون خانه‌ها و کلاس‌های مدرسه چنین توضیح می‌دهد: «کودک در این سال‌ها از عمر خود، عاشق خیال‌بافی است. او به جانوران عشق می‌ورزد. برایش تفاوتی ندارد که این جانوران واقعی هستند یا تخیلی. عاشق خودنمایی است، ولی آن‌گونه خودنمایی که پسندیده است و می‌تواند پایه‌ای برای رشد فکری و آموزش رفتارهای درست به او باشد. جنبش و فعالیت، حرف زدن و پرسیدن، و کنجکاوی کردن را دوست دارد. این‌ها نشانه‌های رشد فکری و

جسمی کودک‌اند. اگر در کودکی چنین نشانه‌هایی دیده نمی‌شود، پیداست که رشد نمی‌کند. آن‌چه را غیرمستقیم به او می‌آموزیم و خود تجربه می‌کند، بهتر یاد می‌گیرد تا درس و بحث مستقیم و انعطاف‌پذیر پدر و مادر، مربی و معلم را» [جهانشاهی، ۱۳۶۳: ۲۷۱].

او ادامه می‌دهد: «هدف تئاتر در مدرسه [کلاس] هنرپیشه پروردن نیست، بلکه ایجاد فرصتی است برای یاد دادن راه و روش تسلط بر اندیشه‌ها، حرکت‌ها و سخن‌های آدمی در زندگی. برای رسیدن به چنین هدفی نیازی نیست که نمایش‌نامه‌هایی از نویسندگان بزرگ، وسایل بسیار و دور از دست‌رس و تالار نمایش داشته باشیم. هر داستان مناسب که برای کودک نوشته شده باشد، می‌تواند موضوع نمایش‌نامه‌ای شود» [همان، ص ۲۷۳].

قصه‌گوها نیز که غالباً در مهدکودک‌ها فعال هستند، در جلسات قصه‌گویی خود به میزان وسیعی از بداهه‌سرایی و ادبیات خلاق، همراه با اجرای نمایشی داستان‌ها، استفاده‌ی بهینه‌ی می‌برند.

جک زاپیس از تجربیات یک پژوهشگر آمریکایی به‌نام **مارشاکایندر** که از هنرهای نمایشی در کارهای قصه‌گویی و خلاقانه‌ی خود با کودکان بهره‌ی فراوان برده است، چنین می‌نویسد: «در برخی موارد، یک



جلسه‌ی کامل قصه‌گویی را به تمرین یک نمایش که قرار است بعداً اجرا و فیلم‌برداری شود، اختصاص می‌دهم. در قصه‌گویی‌های خود عملاً کودکان را به استفاده از فنون به نمایش در آوردن قصه تحریک می‌کنم. در این طرح‌ها، از روش‌های فنی و خلاق استفاده می‌کنم که موجب همکاری وسیعی میان کودکان می‌شود و حس اجتماعی را در آن‌ها ایجاد و تقویت می‌کند. هیچ یک از این طرح‌ها به منظور ضدیت و مخالفت با تلویزیون، فیلم‌ها و بازی‌های رایانه‌ای و ویدیویی طرح‌ریزی نشده‌اند، با وجود این هر دو آن‌ها به کودکان کمک می‌کنند، از داستان‌ها برای ابراز خود، ابراز نیازها و رویاپردازی‌هایی استفاده کنند که تلویزیون، فیلم و بازی‌های رایانه‌ای در آن‌ها به‌طور کامل دخل و تصرف کرده‌اند»

در راستای حرکت به‌سوی اجرای نمایش طرح‌ها و داستان‌های مورد توجه کودکان و نوجوانان برای تجربه‌اندوزی، راهکارهای استخراج شده از نظریات این دست از پژوهشگران چنین دسته‌بندی می‌شود:

● **توافق روی موضوع:** اگر دانش‌آموزان افسانه، حادثه‌های تاریخی و یا یک قصه‌ی برگرفته از بازی رایانه‌ای را انتخاب کنند، رسیدن به توافق نظر اهمیت دارد، در غیر این صورت آن‌ها انگیزه‌ای نخواهند داشت. بهترین کار این است که نظر آنان پرسیده شود و یا امکانات متفاوت مطرح شوند. در این کار می‌توان از راهنمایان درسی و برنامه‌ریز مدارس کمک گرفت.

● **پژوهش:** وقتی که عنوان انتخاب شد، دانش‌آموزان باید

گروه‌های تحقیقاتی تشکیل دهند تا مطالب مربوط به‌عنوان را گردآوری کنند. سپس می‌توانند قصه‌هایی در رابطه با موضوع بگویند و روایت‌های خود را با یکدیگر در میان بگذارند.

● **تقسیم نقش‌ها:** لازم نیست که نقش‌های خاصی برای قصه و موضوع در نظر گرفت. دانش‌آموزان می‌توانند درون گروه‌های خود با کمک‌مربی یا معلم که نقش مشاور را بر عهده دارد، نقش خود را تعیین کنند

● **فی‌البداهه‌گویی:**

اجرای صحنه‌های متفاوت نمایش، یک فرایند داستان‌سرایی است و در این موقعیت باید همه‌ی کودکان و نوجوانان در پرورش داستان بکوشند.

اگر آنان با اجرای نمایش آشنا نباشند، بهتر است مربی یا معلم با بازی‌هایی که فی‌البداهه گویی دارند، تمرین را شروع کند.

● **اجرای کار:** وقتی که فی‌البداهه‌سرایی طرح‌ریزی شد، بدین‌معنا که خطوط کلی نمایش روشن گردید، مناسب است تمرین‌ها منسجم‌تر ادامه یابند و نمایش در نهایت به‌اجرا در آید.

● **جلسه‌ی تحلیل و بررسی:** در این بخش کودکان و نوجوانان می‌توانند تجربیات خود را از طریق گفت‌وگو با هم، البته با مدیریت معلم یا مربی، در اختیار یکدیگر قرار دهند. البته باید دقت کرد که این گفت‌وگوها از چارچوب موضوعات انتخاب شده و مورد نظر خارج نشوند.

در پایان با تأکید دوباره بر اهمیت عنصر تخیل در رشد و شکوفایی جسمی و روحی کودک و نوجوان و به‌کارگیری صحیح بازی‌های نمایشی که خاص هر منطقه و یا کشور هستند، می‌توان از هنر نمایش به‌گونه‌ای صحیح و دقیق، بالاترین بهره را برد.

● «نمایش واسطه‌ای است بسیار مهم برای رشد و پیشرفت فردی. هم در تشکیلات جدید برای تعلیم و تربیت فراگیر و تغذیه‌ی فرهنگی، و هم در پاسخ به نیازمندی‌های حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان مدرسه

● «هدف تئاتر در مدرسه [کلاس] هنرپیشه پروردن نیست، بلکه ایجاد فرصتی است برای یاد دادن راه و روش تسلط بر اندیشه‌ها، حرکت‌ها و سخن‌های آدمی در زندگی

منابع

۱. فایرکلو، گوردن (۱۳۶۷). نقش نمایش در تعلیم و تربیت. ترجمه‌ی داود دانشور. انتشارات مدرسه. تهران.
۲. جهانشاهی، ایرج (۱۳۶۳). ازوب در کلاس درس. انتشارات فاطمی. تهران.